

آینده پژوهی و مبادی مطالعات بین رشته‌ای پیرامون «حقوق امنیت ملی»

نویسنده: دکتر نادر ساعد^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱۰/۳

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۱۱/۷

صفحات مقاله: ۹-۳۷

چکیده

شاید هیچ مقوله‌ای به اندازه امنیت نتواند نگرانی‌های حال و آتی جوامع بشری را بازگو نماید. امنیت همان‌طور که مهم‌ترین نیاز در جوامع کنونی است و چنان گسترده است که همه‌کس و همه‌چیز در اجتماع و ماورای اجتماع را در بر می‌گیرد، اساسی‌ترین نگرانی در دورنمای آینده روابط انسانی نیز هست. در واقع، می‌توان گفت امنیت امری مهم بلکه مهم‌ترین محور در آینده پژوهی است و چون شناخت اندیشه‌ای و پیش‌بینی عقلانی و علمی از آینده امنیت ملی و بین‌المللی مستلزم ادراک جمعی و هم‌افزایی دانش‌های مرتبط با این مقوله است، مطالعات بین رشته‌ای به‌عنوان مرکز ثقل آینده‌پژوهی اهمیت و جایگاهی حساس و حیاتی را به‌خود اختصاص خواهد داد. در این نوشتار، نقش مطالعات بین رشته‌ای در حوزه امنیت ملی با تکیه بر کاربری‌های حقوقی امنیت ملی را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد و ضرورت شکل‌گیری مطالعات (اعم از آموزش و پژوهش) حقوق امنیت ملی در کشور را با بیان مختصری از پیشگامان این روند در خارج از کشور توجیه و تبیین خواهیم نمود.

۱ - دکترای حقوق بین‌الملل، مدیر گروه صلح مرکز کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی.

کلید واژگان

دفاع و امنیت ملی، نیروهای مسلح، مطالعات بین رشته‌ای، سازمان‌های نظامی، حقوق امنیت ملی

مقدمه

ظهور و پیدایش مطالعات و پژوهش‌های بین رشته‌ای^۱ به‌عنوان بهره‌گیری از دو یا چند رشته دانشگاهی به‌منظور هم‌افزایی در حصول به اهداف مشترک^۲ یا ترسیم تصویری دقیق‌تر و حصول به درکی بهتر از مسأله‌های چندبعدی، یکی از روش‌های پی‌جویی و برنامه‌ریزی آموزش و پژوهش در هزاره سوم است.^۳ این نوع مطالعه و آموزش علمی، نه تنها برخاسته از ملاحظات نظری بلکه برگرفته از ضرورت‌های عملی و نیازمندی‌های اجتماعی است.

این مطالعات چنان در خارج از کشور اهمیت یافته که مؤسساتی اختصاصی به‌منظور مدیریت و سازمان دادن به مطالعات بین رشته‌ای نیز ایجاد شده‌اند^۴ و «نه تنها رشته‌ای نیز به‌نام مطالعات بین رشته‌ای در سطوح مختلف از جمله کارشناسی ایجاد شده،^۵ بلکه دانشکده‌هایی نیز به این امر اختصاص یافته‌اند.^۶ علم به امنیت به‌عنوان یک مقوله اجتماعی، نیازمند بهره‌گیری دانش اجتماعی (مجموعه علوم پیشرفته ناظر بر روابط انسانی) است. در هر حال، محور حقوق

1 - Interdisciplinary studies or research

2 - www.wikipedia.org/wiki/Interdisciplinary.

3 - Multidisciplinarity, Transdisciplinarity, crossdisciplinarity and non-disciplinarity, see Ibid.

4 - The Institute of Advnace Studies, Interdisciplinary Studies, www.ids.ias.edu/

5 - Arizona State University, School of Interdisciplinary Studies, www.universetcollege.asu.edu/sis.curent/php.

6 - Grand Valley State University, college of Interdisciplinary Studies, www.gvsu.edu/cios

دفاع و امنیت ملی بر بهره‌گیری از دانش حقوقی همگام با دانش‌های مرتبط امنیتی و دفاعی استوار است، به گونه‌ای که نه تنها دانش حقوقی را از مطالعات و بینش‌های نظری صرف نجات دهد و به آن اثر علمی ببخشد، بلکه اندیشه‌های غیرحقوقی را نیز ضابطه‌مند نماید و با ساختار و هنجارهای حاکم بر محیط امنیتی داخلی و بین‌المللی تطبیق دهد. در واقع، دقت و صحت عمل در تجزیه و تحلیل حقوقی، اندیشه‌ای جامع و دانشی فراگیر به گستره علوم اجتماعی (و گاه فراتر از آن) می‌طلبد و توجه به مبانی، بسترها و مولفه‌هایی غیرحقوقی را که در ساخت و پرداخت هر قاعده سهیم هستند، الزامی می‌سازد. در واقع، اگر کار حقوقدان در کل، «احراز وقایع، شناخت دقیق و علمی قواعد و در نهایت تطبیق وقایع و مصادیق عینی بر قواعد کلی»^۱ باشد، فقط با دانش حقوقی نمی‌توان این سه وظیفه حقوقی را به عمل آورد؛ «زیرا در ساخت این نظام عوامل غیرحقوقی بسیاری نفوذ کرده است که در کنار هر استدلال حقوقی باید آن‌ها را در نظر گرفت».^۲ در واقع، شناخت وقایع نه تنها صورت قضیه بلکه اجزای حقیقی تشکیل دهنده آن را در بر می‌گیرد حتی اگر این عناصر و مولفه‌ها، در ابتدای امر وصف و ماهیت حقوقی نداشته باشند.

در این میان، در برخی از حوزه‌های حقوقی نظیر موازین حاکم بر روابط بین‌المللی، تأثیرپذیری از عناصر غیرحقوقی به دلیل طبع و ماهیت روابطی که موضوع قواعد حقوقی است، ملموس بوده و بخشی از عناصر صورت‌بندی پیدا و ناپیدای روابط مذکور است. «به نظر می‌رسد که حقوق بین‌الملل به دلیل صبغی

۱ - دکتر هدایت اله فلسفی، «روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل: شناخت منطقی حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره، ۱۰، ۷۱، ص ۱۶۲ به بعد.

۲ - دکتر هدایت اله فلسفی، روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۹، بهار-تابستان ۷۰، ص ۴۷.

سیاسی مبنای ارادی شکل‌گیری آن (ارادی بودن نهفته در اصل حاکمیت دولت‌ها)، به‌سختی می‌تواند بی‌توجه به مسائل سیاسی رشد و نمو یابد. محیط رشد و نمو حقوق بین‌الملل، اجتماعی سیاسی و آکنده از مؤلفه‌های غیرحقوقی است و هدف نظم حقوقی (نظمی که نظم اجتماعی را هم‌گام و پا به پای تغییر و تحول در مناسبات اجتماعات ملی و بین‌المللی پی می‌گیرد)^۱، تکوین و تحول خود متناسب با بستر اجتماعی آن با سایر عناصر دخیل در این محیط است^۲ و ضروری است مناسبات و دیالکتیک حقوق و قدرت مدنظر قرار گیرد. زمانی که امنیت به‌عنوان متغیر و موضوع اصلی باشد، این چندبعدی بودن مطالعه بیش‌تر ملموس می‌گردد.^۳ محیط امنیتی به‌منزله یک سیستم یا پدیداری نظام‌واره است که به‌وسیله تعامل پویای عناصری متعدد و متکثر شکل گرفته به‌طوری که نمی‌توان با تمرکز بر یک یا چند عامل خواه حقوقی یا غیرحقوقی، درک درستی از آن حاصل کرد. درک درست، مقدمه شکل‌گیری تز، آنتی‌تز و در نتیجه حصول سنتز است و بدون آن، کبرای قیاس حقوقی نیز از صحت و معنای دقیق خالی خواهد بود.

دیگر متغیر اصلی در این بحث، «امنیت ملی» است. امنیت، رهایی از هر نوع تهدید، ترس و خطر است.^۴ با این حال، نه تنها نوع تهدیدها و خطرهای بسته به

۱ - از این جهت، آنچه به‌عنوان مسأله‌هایزی (نظم) یا مارکسی (تغییر) در جامعه‌شناسی مورد توجه است، در علم حقوق نیز به‌عنوان دو روی یک سکه، شناخته‌شده است. نک به: عسگری، پیشین، ص ۹۴.

۲ - نادر ساعد، چشم انداز حاکمیت دولت‌ها در پرتو فرایند بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، ۸۴، ص ۳۵۲.

۳ - شکل‌گیری حوزه‌های مطالعاتی جدید نظیر جامعه‌شناسی امنیت به‌خوبی نشان می‌دهند که با تکیه بر دانشی محدود و تک‌بعدی نمی‌توان به تأمین امنیت دلخوش بود.

۴ - بنیامین میلر، «مفهوم امنیت»: ضرورت و بازتعریفی»، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۳، زمستان ۸۱، ص ۱۵۰.

زمان و مکان، متفاوت و متنوع است بلکه از حیث شیوه رهایی نیز پویایی در ذات این مفهوم باقی است، به گونه‌ای که قوانین و مقررات داخلی نیز با این که در صدد حمایت و صیانت جدی از امنیت ملی برآمده‌اند، از تعریف دقیق آن احتراز جسته بلکه آن را با معادل‌هایی بسیار موسع نظیر آشفتگی‌های ملی^۱ که مبین آسیب دیدن مبانی حیات ملی است، بیان داشته‌اند.^۲ بر اساس مطالعات امنیتی، تاکنون دو دوره مهم تغییر و تحول مفهوم امنیت در ادبیات حقوقی و امنیتی به منصفه ظهور رسیده است. تا قبل از خاتمه جنگ سرد، امنیت تنها حول و حوش توانمندی‌های نظامی سیر می‌نمود و امنیت مرادف با امور نظامی بود. در این چارچوب، «امنیت ملی شامل دفاع ملی و روابط خارجی است و شرایط موجد مزیت نظامی و دفاعی بر ملت یا گروه‌های خارجی، وضعیت روابط خارجی مطلوب یا چشم‌انداز دفاعی قادر به مقاومت موفقیت‌آمیز در برابر اقدام خصمانه یا مخرب آشکار یا مخفیانه داخلی یا خارجی را توصیف می‌کند».^۳ این همان مفهوم سنتی و محدود از امنیت ملی است که به وسیله عرصه‌هایی جدید تکمیل شده است.

دوران جنگ سرد خود به نحوی برزخی برای ورود به دنیایی دیگر و البته با وضعیت امنیتی بسیار پیچیده‌تری بود؛ دنیایی که در آن نه تنها قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی نظامی از یکه‌تازی افتاد بلکه اولویت آن نیز تحت تأثیر ظهور ابزارهای جدید قدرت در روابط بین‌المللی، فراز و فرود یافت. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴، تحول حقوقی در این مفهوم را رقم زد. برنامه عمران و توسعه

1 - National Disturbances

2 - See South Korean National Security Law, 25 February 1988, www.kimsoft.com/korea/nsi-kr.htm

3 - Dep. of Defense Dictionary of Military and Associated Terms, June 5, 2003.

ملل متحد با برجسته کردن تهدیدهای غیرنظامی که حیات پایدار بشر را به خطر انداخته و روز به روز این خطر نیز بیش تر می گردد، گذار از «امنیت هسته‌ای به امنیت انسانی»^۱ را به روی اندیشه‌ها گشود و مفهوم «امنیت اساسی بشری» را تا حدودی جایگزین آن نمود. این مفهوم که با انسانی تر شدن مقوله‌های روابط جمعی در جامعه بین‌المللی و متحول کردن برنامه‌ها و کارکردهای امنیتی دولت‌ها از «امنیت ملی تا امنیت عمومی»^۲، قوام و دوام بیش تری یافته و می‌یابد،^۳ امنیت ملی و بین‌المللی را به همان میزان تحول و وسعت بخشیده و جای برخی از عناصر دخیل در شکل‌گیری تهدیدها و هم‌چنین مؤثر بر روش‌های رفع تهدید را نیز به شدت عوض نموده است.^۴

در همین چارچوب می‌توان به خوبی چشم‌انداز تحولات حقوقی از منظر امنیت را نیز پیش‌بینی نمود: امنیت در وضعیت معاصر، ملغمه‌ای از دو عنصر پویا و متحرک اما رقیب است. اهمیت دوام و بقای دولت‌ها و حکومت‌ها، هم‌چنان به‌عنوان بخشی از هسته‌ی امنیت و نگرانی‌های امنیتی تلقی می‌گردد که امنیت

۱ - همان منبع، ص ۱۴۶.

۲ - همان منبع، ص ۱۵۷.

۳ - با این حال، این امنیت ملی نیست که جای خود را به امنیت عمومی داده بلکه محورهای اولویت امنیت ملی از حالت سنتی یعنی تضمین بقای حکومت از طریق تجهیز به قابلیت‌های نظامی و هم‌چنین اکتفا به توان مقابله با تهدیدهای نظامی خارجی، تغییر کرده و دستورکار امنیت به تضمین صیانت از جمعیت در برابر هرگونه خطر نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری (خطر حمله مسلحانه داخلی یا خارجی، جنگ یا حوادث تروریستی، آشفته‌گی‌های اجتماعی ناشی از تضعیف ظرفیت‌های فرهنگی پالایش اجتماع و ... تغییر یافته که در این میان، امنیت حکومت و گروه حاکم تنها در طول امنیت اعضای اجتماع و جمعیت (خود جمعیت و فرهنگ‌شان) قرار دارد.

۴ - البته این سطح از گسترده کردن مفهوم امنیت نه تنها از نظر علمی محدودیت‌هایی دارد بلکه از نظر حقوقی نیز اگر قوانین و مقررات را به حداکثرسازی تلاش‌ها برای تضمین و صیانت از رفاه و امنیت بشر و اعضای جامعه سوق دهد، مطلوب است و گرنه موجب امنیتی شدن کلیه مقوله‌های روابط اجتماعی می‌شود که این خود نه این‌که امنیت را نیست بلکه موجب تهدید بقای اجتماع و روابط منسجم گروهی نیز خواهد شد.

ملی را به سمت صرف حداکثر منابع ملی برای تضمین و صیانت از همین امر جهت می‌دهد. از طرف دیگر، امنیت انسانی نه تنها دامنه‌ای جدید به تلاش‌ها و برنامه‌های امنیتی داده است، بلکه حدود و ثغور قانونی رفتار دولت‌ها را به گونه‌ای متفاوت از گذشته تبیین نموده و ضمن این‌که صیانت از وضعیت انسان‌ها (به‌عنوان اعضای واقعی اجتماعات ملی و بین‌المللی) را در هسته سخت امنیت قرار داده است، بلکه آزادی عمل دولت‌ها را تنها در صورتی در قالب امنیت ملی قرار می‌دهد که با ملاحظات حقوق انسانی در تباین قرار نگیرد.

در هر حال، در دوران معاصر تسهیلات فناوری و دانش بشری نه تنها زمینه‌های بهره‌گیری از برخی منابع برای حداکثرسازی الفت میان ملت‌ها را فراهم کرده است، بلکه پتانسیل‌های تهدیدزایی آن‌ها علیه هم‌دیگر و حداکثرسازی تهدیدهای سستی را نیز به‌صورت برجسته در معرض دید افراد و گروه‌های سازمان‌یافته خشونت‌طلب (یا تروریستی) قرار داده است. در این صورت، حقوق امنیت ملی به‌عنوان بخشی از حقوق داخلی هر دولت، باید ضمن بازبینی و بازتعریفی مقوله‌ها و اولویت‌های امنیتی اجتماع داخلی و با در نظر گرفتن محیط بین‌المللی امنیت ملی، نه تنها اهمیت امنیت ملی را در قالب مجموعه‌ای جامع و به هم پیوسته مدنظر قرار دهد، ایجاد، اصلاح و اعمال نماید بلکه وضعیتی امن در اجتماع را برای حیات پایدار جمعیت ملی و هم‌چنین جمعیتی امن را برای جامعه‌ای رو به تعالی، فراهم سازد.

با چنین نگرشی مبنی بر تجمیع نگرانی‌های بشری و دوام و بقای جامعه سیاسی ضمن اولویت دادن به رفاه و امنیت انسان‌هاست که بستر اندیشه‌ورزی برای شکل‌گیری حوزه‌ای جدید از مطالعات حقوقی بین رشته‌ای به‌نام «حقوق امنیت ملی» در برخی از دولت‌ها (به‌ویژه آمریکای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) فراهم شده و با برنامه‌ریزی و تشویق دولت، تاکنون بیش از ۳۰۰ دوره در این خصوص برگزار شده است. در هر حال، باید در نظر داشت که امنیت ابعاد

حقوقی متفاوت، گوناگون و متکثری دارد: امنیت نرم‌افزاری - سخت‌افزاری، امنیت شخصی^۱ و داخلی، امنیت محلی و ملی و هم‌چنین امنیت حکومتی و بشری یا عمومی. این ابعاد و موازین حاکم بر آن‌ها به‌گونه‌ای که نظم‌های حقوقی، سیاسی و امنیتی در قالبی عام‌تر به‌نام نظم اجتماعی، همسو گردند و مسیر واحدی را فراروی حرکت اجتماع و اعضای آن قرار دهند، بایسته‌ای است که چارچوب کلی حقوق امنیت ملی را در سطح اقدامی آکادمیک اما هدفمند و عمل‌گرا تعیین خواهد کرد.

این تحقیق، شیوه‌های تجمیع دو امر مهم مذکور را در قالب «حقوق امنیت ملی» تشریح نموده و ضرورت ایجاد مطالعات و آموزش‌های میان‌رشته‌ای را در این حوزه بیان می‌دارد.

بند اول: بررسی‌های مقایسه‌ای و امکان‌سنجی حقوق امنیت ملی

برای حرکت عادی یک اجتماع، امنیت شرط لازم و به تعبیری دیگر، یک «سرمایه»^۲ تلقی می‌شود. این ضرورت و نیاز به امنیت نه تنها برگرفته از وضعیت چفت و بست روابط اجتماعی (عناصر درون جمعی)^۳ است بلکه در مناسبات و مراودات اجتماعات و واحدهای دارای هویت حقوقی با یکدیگر نیز جلوه‌ای ویژه دارد؛ به‌گونه‌ای که از زمان شکل‌گیری دولت در قرن هجدهم به بعد، عمده‌ترین محورهای برنامه‌ریزی دولت‌ها برای تأمین و تضمین امنیت، بر پایه

۱ - به‌عنوان نمونه نک به: هلن نیسن بام، «حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات»، ترجمه و تلخیص از عباس ایمانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲، پاییز - تابستان ۸۱.

۲ - محمود عسگری، «معرفی و نقد کتاب: گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبردی دفاعی، شماره ۹، ۱۳۸۴، ص ۲۳۱.

۳ - نک به: آگ برن و نیم کوف، *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس از ا.ح. آریانپور، تهران، دهخدا، ۵۳، صص ۲۷-۳۰.

امنیت در روابط خارجی استوار شده و از رهگذر راهبردهای امنیتی، با تمرکز یا توجهی خاص به امنیت در مناسبات بین‌المللی، در جست‌وجوی تأمین و تضمین امنیت ملی خویش برآمده‌اند. در هر حال، نیاز به امنیت به مثابه بالاترین و اساسی‌ترین نیاز هر اجتماع تلقی می‌شود که هم قبل و هم بعد از مایحتاج اولیه زندگی، موضوعیت می‌یابد. با این‌که در مورد درک و شناسایی این نیازمندی‌ها نوعی وفاق نظر میان دولت‌ها و اندیشه‌ورزان وجود دارد، نوع و سطح نیازهای امنیتی بسته به مورد و زمان نه تنها متنوع و متفاوت بلکه پویا و متحرک است و همواره ساختاربنندی دقیق مفهوم امنیت و منافع امنیتی را نیز امری دشوار نموده است. به همین دلیل، تاکنون نه در سطح تئوری و نظری و نه در تعاریف و واژه‌شناسی‌های مندرج در قوانین و مقررات راجع به امنیت ملی، چارچوب دقیق و جزمی انعطاف‌ناپذیری از آن ارائه نشده است.

۱ - حقوق و امنیت ملی

از نظر مفهوم‌شناختی، امنیت مفهومی است که همه (همانند دیگر مسائل حیاتی اجتماع)، به صورت اجمالی از دامنه و مصداق آن مطلعند اما به ندرت کسی می‌تواند مفهوم و دامنه دقیق آن را جامع و مانع ترسیم نماید. در واقع، همه اجمالاً می‌دانند چیست ولی هیچ‌کس به صورت تفصیلی نمی‌داند چه دامنه و چارچوبی دارد و این دامنه تا زمانی ثابت و مستقر یا مصون از تغییر خواهد ماند. به صورت کلی، تا پیش از آغاز قرن حاضر، ابعاد و دامنه امنیت اغلب به ساختار نظام بین‌الدولی یا نظام بین‌المللی دولت‌محور بستگی داشت و بسته به آن، تعریف می‌شد. بقای دولت حاکم و گروه‌هایی که به عنوان حکومت نمایندگی ارادی یا غیرارادی در اعمال مسئولیت‌های حاکمیتی را در روابط درون ملی و بین‌المللی بر عهده داشتند، اساسی‌ترین شاخه‌ها و شاخص در تعریف امنیت تلقی می‌شد و هر آن‌چه کمابیش با هدف متزلزل کردن ساختارهای حکومتی یا

ممانعت از ایفای عادی مسئولیت‌های مذکور توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی داخلی یا خارجی صورت می‌گرفت، عنوان اقدامات ضدامنیتی به خود می‌گرفت (یعنی تعریف سلبی امنیت به ممانعت از اتخاذ هر عملی که موجودیت یا کارکردهای حکومتی را به عمد صرف یا به قصد نتیجه به صورت جدی درخطر قرار دهد). از طرف دیگر، ارتقای موقعیت حکومت و دولت در جامعه داخلی و بین‌المللی و دستیابی به امتیاز در روابط بین‌المللی که خواه ناخواه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند بر تسهیل کارکردهای حاکمیتی مؤثر افتد، به مثابه منافع امنیتی دولت تعریف می‌شد و اساسی‌ترین وظیفه و سیاست کلان دولت به‌شمار می‌رفت.

اما در اواخر قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، دامنه امنیت بلکه پاشنه این بحث به صورت جدی متحول شده و از امنیت حکومتی یا دولتی با سمت و سوی امنیت انسانی و بشری سوق یافته است. این تحول، واقعیتی اجتماعی است که انکار آن، تأثیری بر وضعیت عینی این واقعه ندارد. توضیح دلیل این تحول هم چندان دشوار نیست. چنین تحولی نشأت گرفته از تحول در ساختار روابط بین‌المللی و ظهور نوبازیگرانی است که نه تنها حصر باشگاه اشخاص حقوقی بین‌المللی را شکستند، بلکه امروزه دکتترین و نظریه اقلیتی در حقوق بین‌الملل را به شناسایی واحدها و بازیگران جدید در عرصه ساخت و پرداخت قواعد و موازین بین‌المللی ترغیب نموده‌اند. در چنین فضایی که گروه‌های انسانی خواه به‌عنوان طرف‌های حقوق صلح یا جنگ می‌توانند مخاطب قواعد قرار گیرند یا (به‌صورتی محدودتر) التزام خود را به موازین بین‌المللی اعلام نموده و حتی در تدوین معاهدات و شکل‌گیری یا احراز عرف بین‌المللی سهیم شوند، به همان میزان نیز اهمیت وضعیت انسان را در ساخت و بافت روابط بین‌المللی تثبیت می‌نمایند. در این صورت است که می‌گویند نظم حقوقی بین‌المللی از مسیری که پیش از این برای آن ترسیم شده بود (دولت‌های حاکم) به سمتی دیگر (بشریت)

در حال گذار است یا انسانی می‌شود. بنابراین، امنیت بشری اگر محور و هسته تعریف امنیت در نظم بین‌المللی در حال تحول معاصر نباشد، بدون شک سهمی مهم از آن است که از قدرت و توان رقابت با امنیت حکومت‌ها نیز برخوردار است. تحول در دامنه و مفهوم امنیت، امری صرفاً نظری و آکادمیک نیست بلکه بر وضعیت سیاسی و موازین حقوقی حاکم بر روابط بین‌المللی نیز به شدت تأثیر می‌گذارد. با انسانی شدن دامنه امنیت، دامنه و برد اقدامات حاکمیتی دولت‌ها قبض و بسط می‌یابد: محدود می‌گردد از آن جهت که این اقدامات نمی‌توانند با هدف تأثیرگذاری منفی بر امنیت انسانی یا منتج به این وضعیت صورتی قانونی و مشروع یابند؛ بسط می‌یابند از این حیث که دولت‌ها را نسبت به امنیت انسانی حساس می‌سازد و ممکن است حمایت از امنیت انسانی را برای آن‌ها تبدیل به حق یا مسئولیتی حقوقی - بین‌المللی نماید (نظیر مسئولیت حمایت).^۱

بنابراین، نقش حقوق در قبال امنیت چه در حوزه حقوق داخلی و چه حقوق بین‌الملل، روشن و واضح است. کارکرد و انتظار ذاتی از حقوق (نظام حقوق موضوعه)، سامان دادن به روابط جمعی و تضمین نظم اجتماعی در گستره کلی آن است (نظم اجتماعی از طریق نظم حقوقی). بی‌نظمی و رفتارهای مغایر این نظم که در لسان جامعه‌شناختی به «آشفته‌گی اجتماعی» موسوم است، نتیجه عادی (و نه الزاماً طبیعی) کنش‌های متقابل اعضای اجتماع (ملی یا بین‌المللی) است. این رفتارها هرچه که باشند، شکاف میان وضعیت موجود و بایسته اجتماع را بیش‌تر می‌سازد و گاه حیات اجتماع را به‌صورت جدی تهدید می‌نماید. سطحی از این رفتارها که به هسته و ستون‌های روابط جمعی صدمه می‌زنند، در مجموعه موازین حقوق داخلی و تحت عنوان اقدامات علیه امنیت ملی مطرح

1 - Responsibility to protect

می‌شوند که متناسب با دسته‌بندی و تقسیم‌گونه‌شناختی، واکنش‌های کیفری و غیره با آن‌ها صورت می‌گیرد. اما مجموعه‌های متفرق و پراکنده از حقوق موجود، قادر نیستند اهمیت و ابعاد گوناگون امنیت در دوران معاصر را پوشش دهند. خطیر بودن مجموعه‌ای با عنوان حقوق امنیت ملی، آن‌جا به‌خوبی مشخص می‌گردد که متأثر از تحولات دهه‌های اخیر، مرزهای سنتی میان شاخه‌های شناخته شده حقوق موجود (حقوق عمومی و خصوصی، داخلی و بین‌المللی) شفافیت سابق را از دست داده است. در عصر حاضر پدیده‌های مؤثر بر امنیت ملی و بین‌المللی به‌صورتی متنوع و متکثر، وجاهت و عینیت یافته و نتیجه این پدیده‌ها، گسست ساختارها و بافت نظام بین‌المللی به‌ویژه هنجارهای حاکم بر این نظام است. این گسست، حقوق داخلی را نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است، چراکه از حقوق داخلی به‌عنوان ابزار به تحول واداشتن نظام بین‌المللی یا واکنش به پدیده‌های بین‌المللی استفاده شده و می‌شود.

در هر حال، قرن بیست و یکم دورانی است که امنیت بیش از هر دورانی دیگر، به نیازمندی اساسی اجتماعات مبدل شده است. همین نیازهاست که موجب شده ساختاری با عنوان «حقوق امنیت ملی» در آمریکای شمالی و اروپا تعریف شود و حتی به دانشکده‌های حقوق مأموریت تدوین ساختارهای مناسب با این منظور داده شود. علت تأکیدهای مکرر این نوشتار بر حوزه بین‌المللی امنیت، اذعان به این واقعیت است که رشته حقوق امنیت ملی تنها موقعی که نیازهای بین‌المللی به امنیت آشکار شد، ایجاد گردید. با این حال، محوریت اقدامات انجام شده در خصوص این موضوع، نه امنیت بین‌المللی بلکه بر امنیت ملی استوار است و اگر مباحث مربوط به امنیت بین‌المللی در این قالب موضوعیت دارد، به‌واسطه مناسبات آن با امنیت ملی دولتهاست و نه مستقل از آن که ممکن است بیش‌تر صبغه حقوق بین‌المللی داشته و در قالب حوزه‌های تخصصی‌تر حقوق بین‌الملل قابل طرح و تعقیب است.

همین موضوع یعنی ترسیم ساختار تجمیع حقوق با امنیت ملی در قالب مطالعات دانشگاهی (نظری و کاربردی)، غایت تدوین سطح حاضر بوده و در بندهای زیر، به صورت تفصیلی چارچوب‌های برگزاری دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق امنیت ملی با شاخص علمی مربوط به آن، آمده است.

۲- دو چارچوب علمی در تبیین حقوق امنیت ملی

شکل‌گیری حوزه‌های مطالعاتی بین رشته‌ای، نتیجه گسترش دانش، توسعه فناوری‌های جدید و افزایش درک نگرانی‌های مشترک جهانی است؛^۱ نگرانی‌هایی که تنها با تعمیق و تدقیق در حوزه‌ای خاص و منفرد، نه از جهت معرفت‌شناسی به توفیق می‌انجامد و نه تدوین راهبردهای عملی رفع نگرانی‌ها را که مستلزم درایت و اندیشه جمعی و جامع است، ممکن می‌سازد. با در نظر گرفتن دامنه بین رشته‌ای بودن امنیت ملی و نوع ارتباطی که علوم مرتبط با این مقوله برقرار می‌کنند، دو برداشت از بین رشته‌ای بودن امنیت ملی وجود دارد که در عمل نیز هریک در سطوحی خاص جریان داشته و مقبولیت یافته‌اند.

به عقیده برخی از صاحب‌نظران، بین رشته‌ای بودن امنیت ملی را باید در فضای کلی علوم تحلیل کرد که در این صورت، هرچند درک ابعاد حقوقی این موضوع اهمیتی به مراتب بیش‌تر دارد، مواد درسی و حوزه‌های مطالعه و شناخت در این رشته از علوم انسانی فراتر خواهد رفت. با این حال، کلیه مسائلی که در درک ابعاد حقوقی و راهبردی امنیت ملی راه‌گشای جامعه مدنی و نهادهای حکومتی است و دورنمای رفتار صحیح و موفق در محیط داخلی و روابط

1 - W. Radman, "New World coming: American Security in the 21st century: Major Threats and Implications", Sep. 15, 1999, www.fas.org/man/docs/nwc.htm.

خارجی^۱ را ترسیم خواهد کرد، باید در این رشته تعریف و تدریس گردد. در بعد نظامی، امنیت ملی نه تنها مستلزم شناخت جامع تهدیدهای موجود بلکه درک و اندیشه دشمن از جنگ‌های آینده و محیط آن جنگ‌ها^۲ و سایر تهدیدهای متضمن توسل به زور است.

در واقع، تاکنون دوره‌های متعددی حول محور امنیت ملی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی خارجی برگزار شده و این دوره‌های بین رشته‌ای، در سطحی فراگیر یعنی حقوقی و غیرحقوقی برنامه‌ریزی گردیده است. در این میان، دوره‌هایی که تاکنون با عنوان حقوق امنیت ملی نیز برگزار شده، اغلب ترکیبی از دروس حقوقی و غیرحقوقی (مطالعات جامعه‌شناسی امنیت، علوم نظامی، علوم رایانه و فنون جدید ارتباطی و اطلاعاتی اعم از دسترسی به سیستم و ضدسیستم، روان‌شناسی و غیره) بوده است. در واقع، درک مسائل امنیتی مستلزم این بوده که اطلاعات کافی از سایر دانش و علوم مرتبط با امنیت کسب شود و بررسی‌های حقوقی بر داده‌های این دانش و علوم مبتنی گردد.

در این نوشتار، رویکرد اخیر مطلوب تلقی شده و چارچوب آن به‌عنوان یک حوزه میان رشته‌ای حقوق حفظ شده و البته به‌دلیل وضعیت خاصی که دارد، در مرحله شناخت وقایع امنیتی دخیل در شکل‌گیری وقایع حقوقی، بر مطالعات غیرحقوقی نیز تأکید دارد. اما این تنها مقدمه‌ای برای کار حقوقی است تا اقدام حقوقدانان در پیشنهاد و احراز قواعد حقوقی و هم‌چنین تحلیل و تطبیق قواعد بر مصادیق، تسهیل گردد و اقدامات مذکور به نتیجه‌ای منتهی به امنیت بیش‌تر برای اجتماع و اعضای آن ختم گردد.

1 - S. Malawer, "National Security Law- Law & Policy Issues", www.nationalsecuritylaw.htm.

۲ - روسی بانت، «مدل‌سازی و تحلیل نظامی صحنه جنگ در عصر عدم اطمینان»، ترجمه حسین سلامی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۷، ۱۳۷۵، ص ۷۲.

۳- بایسته‌ها در ساماندهی اندیشه حقوق امنیت ملی در ایران

ضرورت شکل‌گیری رشته‌ها یا مطالعات موردی موقت یا سازمان‌یافته حول محور حقوق امنیت ملی، نشأت گرفته از محیط بین‌المللی و تحولاتی است که در عرصه بین‌المللی صورت گرفته و در قالب آن، امنیت ملی دولت‌ها متحول شده یا متحول نمایانده می‌شوند. این مبنا، وقوع حوادث ساختگی یا واقعی ۱۱ سپتامبر است.

فارغ از آن، تنظیم دقیق مناسبات میان حقوق شهروندی و بشری از یک‌سو و حقوق حاکمه دولت‌ها یا حقوق حکومت، در دوران معاصر به دلیل فزونی اهمیت مقررات بین‌المللی راجع به حقوق بشر و شهروند و هم‌چنین گسترش اندیشه‌های راجع به التزام دولت‌ها به اعمال حقوق حاکمه در راستای رفاه، امنیت و وضعیت مطلوب برای اعضای اجتماع (در قالب تئوری‌های دولت رفاه، دولت خدمتگزار، دولت مسئول و ...)، اهمیتی دوچندان یافته است. از یک‌سو، لازم است که اقدامات دولت و نهادهای دولتی در داخل کشور و در روابط بین‌المللی در قبال افراد، با رعایت حداقل استانداردهای رفتاری باشد که در مجموعه موازن حقوق قانونی و فراقانونی مقرر شده است (یا حقوق موجود متناسب با این اندیشه‌ها، بازبینی گردد) و از سوی دیگر، دولت برای مقابله با تهدیدهای جدیدی که در هزاره سوم میلادی یا ۱۴۰۰ شمسی بروز کرده و ممکن است در آینده نیز چهره‌های متفاوت‌تری به خود بگیرند، برنامه‌ریزی و اقدام نموده و نظم اجتماع را با بهره‌گیری از نظم حقوقی روزآمد، تأمین و تضمین نماید. گاه مرزهای غیرشفاف میان تعهدات نخست و حقوق اخیر دولت و نهادهای دولتی، وضعیت‌هایی حساس را پدید می‌آورد که خود می‌تواند به نوعی بر امنیت ملی و بین‌المللی اثرگذار باشد.

در این صورت است که مطالعه دقیق و همه‌جانبه امنیت ملی (با درنظر گرفتن محیط نشو و نمو امنیت از یک‌سو و محیط بین‌المللی آن از سوی دیگر)

با مبنا قرار دادن رسالت حقوق موضوعه و کارکردهای نظم‌سازی آن، پاسخی به تحولات دهه‌های اخیر در رابطه با مناسبات حقوق ملت و حقوق حکومت با تکیه بر امنیت است که البته هم بُعد حقوق داخلی دارد و هم ابعادی از حقوق بین‌الملل را نیز در می‌نوردد. مباحثی که اخیراً در رابطه با کنترل بهره‌گیری افراد و نهادهای مختلف از رسانه‌های گروهی نوشتاری، دیداری و شنیداری و همچنین رسانه‌های فراگیری نظیر اینترنت مطرح شده است، روشن‌ترین نماد از مباحث حقوق امنیت ملی در دوران معاصر است که تنها با نگرش جامع به حقوق امنیت ملی است که می‌توان برای آن‌ها پاسخ حقوقی منتج به نتایج کارآمد جست‌وجو نمود.

در واقع، وضعیت کنونی متضمن نوعی چالش در روابط خصوصی و عمومی است که امنیت ممکن است نقطه مشترک و تلاقی آن‌ها باشد، اما نوع رفتار قانونی و مبتنی بر ضوابط حقوقی برای سامان دادن به روابط و مناسبات، تنها با تکیه صرف بر هنجارها و اندیشه‌های حقوقی گذشته میسر نمی‌باشد. به همین دلیل است که حل هر معضل و مسأله‌ای در این رابطه، درایت و اندیشه‌ای جامع می‌طلبد، و این درایت و اندیشه تنها با مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای میسر است و حقوق امنیت ملی می‌تواند با محور قرار دادن نظام حقوقی، گامی مناسب و پیشرو در این عرصه باشد و نیاز امروزه کشورمان به تحلیل کارشناسانه و علمی مقوله‌های امنیت ملی را پاسخ دهد.

در این صورت است که برگزاری این دوره که به‌منظور تعمیق و سازمان دادن به شناخت علمی مسائل امنیتی با تأکید بر موازین حقوقی و نقش حقوق در رفع تهدیدها و فراهم کردن فرصت بهره‌گیری از فرصت‌ها در محیط داخلی و بین‌المللی است، به نتایج کاربردی و تربیت نیروی متخصص برای پاسخ به نیازهای امروز و فردای این مرز و بوم خواهد انجامید. در هر حال، جامعه امروز ما همانند جوامع دیگر، با پاره‌ای از مسائل مهم و حیاتی اجتماعی روبه‌رو است

که مرکز ثقل آن‌ها امنیت است. یعنی نتیجه این مسائل که ممکن است از نظر ارزشیابی راهبردی، در سطوح و آستانه‌های مختلفی اعم از امور مهم، حیاتی، معضل و نظایر آن باشند، بر امنیت ملی مؤثر است و وضعیت مطلوب جامعه اسلامی ایران (حال و آینده) خواه در مرحله وجودی یا ایجاد و کارکردی، به سامان دادن آن‌ها بستگی تام دارد. در این صورت، حقوق موضوعه می‌تواند متعاقب شناخت دقیق دلایل و عوامل بروز مشکل، راه‌حل‌های مناسب را با در نظر گرفتن چارچوب حقوقی داخلی و بین‌المللی، چنان ترسیم نماید که از کارکردهای دستوری به‌عنوان ابزاری برای تبدیل وضع موجود به وضعیت بایسته و هم‌چنین پیش‌گیری از بروز وضعیت‌های زیانبار برای ملت، دولت و مجموعه آن‌ها استفاده شود و حقوق در خدمت امنیت و آرامش مجموعه کشور گامی بیش از پیش بردارد.

این مطالعات، به نتایج مؤثری خواهد انجامید؛ از جمله: شناخت امنیت در وضعیت مفهوم‌شناختی، تاریخی، جامعه‌شناختی، درک عناصر مؤثر بر بروز و ظهور پدیده‌های امنیت زدا و امنیت زا، ابعاد امنیت اعم از امور نظامی، غیرنظامی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، ملی و بین‌المللی، بررسی و تعمیق در حقوق امنیتی موجود اعم از حقوق امنیت داخلی (اعمال مجرمانه ارتكابی علیه امنیت داخلی و حقوق کیفری نظر بر آن‌ها، حقوق نظامی و دفاعی، حقوق ناظر بر اجرای عملیات نظم‌آفرینی داخلی اعم از نظامی، انتظامی و اطلاعاتی) و امنیت بین‌المللی (حقوق ملی مبتنی بر معاهدات بین‌المللی راجع به امنیت بشری، مقامات حکومتی و دولت‌ها). بدین ترتیب، عناصر و مبادی شکل‌گیری وقایع امنیتی به‌عنوان بخشی از وقایع حقوقی شناخته خواهد شد و بستر اندیشه حقوق امنیت ملی نیز فراهم خواهد گردید.

فراهم شدن فضایی برای گردهمایی متخصصان حقوق امنیت ملی و سهیم شدن آن‌ها در روند تحلیل و برنامه‌ریزی و اقدامات راجع به امنیت و تعمیق

مبانی کارشناسی قوانین و مقررات راجع به این موضوع، امری است که جامعه امروز بیش از هر زمانی، احساس نیاز به چنین مجامعی برای کمک به دستگاه‌های سیاست‌گذار می‌کند. علاوه بر این، آموزش و تربیت نیروی متخصصی موردنیاز است که با شناخت و نگرش جامع، قادر باشد در نهادهای دولتی و غیردولتی، به نیازهای امنیتی پاسخ داده و با استفاده از دانش حقوقی کافی، قانون‌مداری را در مناسبات و روابط مردم و دولت، که به مقوله امنیت مربوط می‌شوند، تضمین و تعمیق نماید؛ به گونه‌ای که احترام به قواعد و هنجارهای حقوقی، تحت الشعاع صرف مسائل امنیتی قرار نگیرد و هم حقوق و آزادی‌های فردی و هم حقوق اجتماعی به گونه‌ای همساز شوند که نظم و نظام اجتماعی بهتر از پیش حاصل شود.

۴- فرایند بین‌المللی آموزش حقوق امنیت ملی

حقوق امنیت ملی به‌عنوان مطالعات میان‌رشته‌ای، دارای سابقه‌ای شش ساله در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی خارجی است که البته مطالعات پژوهشی راجع به آن، به اواسط دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد. با این حال، در کشورمان تاکنون تنها برخی مطالعات پژوهشی محدود راجع به آن مورد توجه قرار گرفته است. تاکنون هیچ‌گاه حقوق امنیت ملی به‌صورت مستقل و جامع، حتی به‌عنوان یک واحد درسی یا درسی از دروس اختیاری یا الزامی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور تدریس نشده است. عمدتاً در دروس حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق جزای عمومی و به‌ویژه حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی) و هم‌چنین حقوق نظامی، بخش‌هایی از مقوله‌های مرتبط با امنیت ملی مطرح شده است. اما ابتکار ایجاد دوره‌های تخصصی مطالعاتی و آموزشی در رشته حقوق امنیت ملی در خارج از کشور، به اوایل دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد که برخی از دانشگاه‌های آمریکا، از جمله دانشگاه

دوک، در این خصوص پیش قدم بوده‌اند. مدرسه حقوق دانشگاه دوک در سال ۱۹۹۳ با تأسیس مرکز حقوق، اخلاق و امنیت ملی، در این رابطه نقش پیشرو و مبتکر را ایفا کرده است.^۱ پس از ۱۱ سپتامبر، حقوق امنیت ملی مهم‌ترین حوزه تحقیقات و کاوش‌های حقوقی بوده و از همان ابتدا نیز حقوقدانان در مورد تغییرات حقوق داخلی آمریکا و تهدید آزادی‌های عمومی به بهانه امنیت ملی انتقادهای زیادی را مطرح کردند^۲ و عملکرد دولت بوش را زیر سؤال بردند. اما نتیجه تحولات داخلی آمریکا پس از این حوادث، برنامه‌ریزی منسجم دولتی و غیردولتی به منظور برگزاری دوره‌هایی با عنوان حقوق امنیت ملی و حتی دوره‌های تخصصی‌تر در زیرمجموعه این حوزه میان‌رشته‌ای (نظیر تروریسم سایبری، بیوتروریسم، تروریسم نوین و غیره) بوده است. جزئیاتی که در زیر بیان شده است، به خوبی خاستگاه ایجاد این رشته دانشگاهی را در حقوق و جامعه دانشگاهی آمریکا نشان می‌دهد.

با تدقیق در سوابق، به نظر می‌رسد که اوصاف دوره حقوق امنیت ملی مورد تأکید در دانشگاه‌های خارجی را می‌توان به صورت زیر بیان داشت:

- حقوق امنیت ملی، بخشی از حقوق عمومی داخلی است. در نتیجه، مقوله‌ها و محورهای حقوق مذکور همانند هر بخش دیگر از حقوق داخلی کشورهای مختلف، متفاوت بوده و بسته به زمان و مکان است.
- حقوق امنیت ملی، هم حقوق ملی و هم حقوق بین‌الملل، باید در مواد درسی دوره لحاظ گردد.
- در حقوق امنیت ملی نه تنها قواعد، بلکه بینش‌های جدید راجع به

1 - enter on Law, Ethics and National Security, www.duk.law.edu/lens/teaching

۲ - وحید اشتیاق، «حدود قانون آزادی رسانه‌ها در زمان جنگ در ایالات متحده آمریکا»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۱ (بهار-تابستان ۸۱).

جنگ علیه تروریسم در آن مطرح و بررسی گردد. یعنی هم موازین بررسی شود و هم اندیشه‌ها و بینش‌هایی نظیر صلح دموکراتیک، بازدارندگی و تئوری انگیزه.

- در حقوق امنیت ملی باید نقش سازمان‌های بین‌المللی از جمله شورای امنیت در مدیریت بحران‌های بین‌المللی بررسی شود.
- توسل به زور و حقوق دفاع پیش‌دستانه مورد بازکاوی قرار گیرد.
- دکترین امنیتی کشورها مطالعه شود.
- فرایند تصمیم‌گیری‌های امنیت ملی از نظر اندیشه‌ای و ساختارها و سازمان‌ها مطالعه و تحلیل شود.
- حقوق افراد و دادخواهی آن‌ها علیه نهادهای مسئول امور امنیتی مطالعه گردد.

همان‌طور که گفته شد، شکل‌گیری این حوزه میان‌رشته‌ای، نتیجه تحولات امنیتی در آمریکا است. در واقع، پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وزارت امنیت داخلی آمریکا بخشی را به برنامه‌های دانشگاهی اختصاص داد و ۵۰ میلیارد دلار را در سال به اعطای اعتبارات ملی بلاعوض به دانشکده‌های درگیر مطالعه و پژوهش امنیت دفاعی و بورس مهندسی، علوم و فناوری امنیت اختصاص داد. برخی از دیگر وزارت‌خانه‌ها نظیر پنتاگون نیز حدود ۳ میلیارد دلار در سال را به این برنامه‌های آموزشی اختصاص داده‌اند.^۱

متعاقب این برنامه‌ریزی‌های دولتی، «کنسرسیوم یا ائتلاف دانشگاه‌ها برای امنیت ملی» در دانشگاه دولتی اوهایو با هدف کمک به امنیت ملی آمریکا و متحدان این کشور در جهان تشکیل شد.^۲ با ترغیب این انجمن و با تلاش‌هایی

1 - www.boston.com/local/massachusetts/articles/2006/11/19/.

2 - Homelandsecurity.osu.edu/NA_HS/

که در قالب «برنامه امنیت ملی و بین‌المللی» این کنسرسیوم انجام شده است، از سال ۲۰۰۳ تاکنون بیش از ۳۰۰ دانشکده (کالج) در دانشگاه‌های آمریکا، امنیت ملی را به‌عنوان دوره دانشگاهی تصویب و به‌صورت متعدد برگزار کرده‌اند.^۱ به‌نظر می‌رسد که باید سوابق آموزشی و پژوهشی راجع به حقوق امنیت ملی را از هم‌دیگر تفکیک نمود. با این حال، در مراکز عالی آموزشی و پژوهشی خارج، اقدامات متعددی از سال‌های ۲۰۰۲ به بعد برای برگزاری دوره‌های مربوط به حقوق امنیت ملی یا انجام فعالیت‌های پژوهشی حول این محورها صورت گرفته است.

با ملاحظه اسناد و اطلاعات دریافتی از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی خارجی، دانشکده‌های حقوق این دانشگاه‌ها تاکنون حقوق امنیت ملی را به‌صورت‌های مختلف تدریس کرده‌اند: برگزاری دوره‌های تخصصی با عنوان امنیت ملی، برگزاری دوره‌های تخصصی‌تر امنیت ملی اما با محورهای ریزتری از این مجموعه، آموزش دانشگاهی بلندمدت حقوق امنیت ملی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی و فراگیر.

بند دوم: حوزه‌های تحلیل نظری و کاربردی حقوق امنیت ملی

با توجه به سوابق مطالعات حقوق امنیت ملی، به‌نظر می‌رسد که مهم‌ترین محورهای حقوق امنیت ملی را می‌توان به‌شرح زیر دسته‌بندی نمود:

چارچوب حقوقی امنیت داخلی و خارجی، قوانین مقررات ملی راجع به مقابله با تروریسم، حقوق سیاست خارجی، حقوق جنگ و صلح، دادرسی جرائم علیه امنیت ملی، امنیت رایانه‌ای و زیرساخت‌های حیاتی، اطلاعات و

1 - www.usatoday.com/news/education/2006-11-18-homelandsecurity_x.htm.

ضداطلاعات، امنیت ملی و آزادی‌های مدنی، حقوق مدیریت بحران‌های امنیتی داخلی، توسل به زور، سازمان‌ها و محاکم نظامی و نظایر آن.

در این صورت، حوزه‌های تحقیق و تحلیل مذکور، فرصت خواهد داد تا نمونه‌های زیر مورد مطالعه تفصیلی و علمی قرار گیرند:

- راهبرد امنیت ملی، امنیت ملی و قانون اساسی، نهادها و مقامات مسئول امنیت ملی، سازمان‌های اطلاعاتی و ضداطلاعاتی، تروریسم داخلی، دسترسی به اطلاعات امنیت ملی، جنگ اطلاعاتی، تعریف و اهمیت امنیت در حقوق جمهوری اسلامی ایران (قانون اساسی و منابع حقوقی کلیدی)، نهادهای مسئول تأمین و تضمین امنیت در مجموعه حکومت، مرز میان حقوق و آزادی‌های اساسی ملت و مأموریت‌های امنیتی حکومت و دستگاه‌های حکومتی، تحلیل پیشرفت حقوق امنیت ملی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تحلیل شورای عالی امنیت ملی به‌عنوان سازمان اصلی و عالی مدیریت امور امنیت ملی در کشور، مقایسه مبانی حقوق امنیت ملی در ایران و سایر کشورها، بررسی مبانی حقوقی راهبرد امنیت ملی در ایران و سایر کشورها.

- رابطه جرم و امنیت ملی، دسته‌بندی جرائم از منظر امنیت ملی، سیاست جنایی ایران در مقابله با جرائم امنیتی، سازمان‌های قضایی رسیدگی به جرائم امنیتی، آیین دادرسی جرائم امنیتی، مطالعه جرائم علیه امنیت ملی در قوانین سایر کشورها.

- تعریف سازمان نظامی و دسته‌بندی آن‌ها، تفاوت ساختار و کارکرد قانونی سازمان‌های نظامی و غیرنظامی، حقوق و مسئولیت‌های سازمان نظامی در قبال امنیت ملی، محدودیت‌های سازمان نظامی از نظر رعایت حقوق ملت، مقایسه قوانین و مقررات سازمان‌های نظامی ایران و سایر کشورها، مبانی حقوقی اندیشه نظامی و دفاعی در ایران و سایر کشورها،

تحولات نظامی و تهدیدهای امنیتی عصر حاضر، جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای مسلح، مبانی حقوقی دکترین‌های نظامی، بررسی حقوقی اسناد راجع به نقش نیروهای مسلح در امنیت ملی (به‌ویژه قوانین برنامه توسعه و سند چشم‌انداز توسعه بیست ساله).

- تحلیل ساختار اجتماعی روابط انسانی و نیازمندی اجتماعات به امنیت، درجه‌بندی امنیت از نظر اهمیت آن‌ها برای حیات اجتماعی، امنیت در گذشته و حال و نقش موازین حقوقی در این رابطه، نحوه ارتقای امنیت از طریق تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روش‌های انتقال دانش جامعه‌شناختی به دستگاه‌های امنیتی کشور، پیش‌بینی تهدیدهای امنیتی آینده از طریق مطالعات جامعه‌شناختی حقوقی، تعریف امنیت از دیدگاه اسلام و حقوق اسلامی، ضوابط دینی حاکم بر ایجاد و تضمین امنیت در اسلام، سازمان مسئول امنیت جامعه اسلامی در عصر غیبت، نقش رهبری و ولایت فقیه در امنیت حکومت اسلامی، امنیت بین‌المللی از دیدگاه اسلامی و راهکارهای حصول به آن.

شایان ذکر است که بخشی از مطالعات حقوقی راجع به نیروهای مسلح و نهادهای مؤثر بر امنیت داخلی و هم‌چنین مدیریت بحران‌های امنیتی داخلی، بسیج و کارکردهای آن نیز از جمله در رابطه با تضمین امنیت فرهنگی و اجتماعی خواهد پرداخت.

نتیجه‌گیری

در میان نگرانی‌های بشر در جوامع کنونی، به‌نظر می‌رسد هیچ مقوله‌ای به اندازه امنیت توجه عمومی را به خود جلب نکرده است. امنیت همان‌طور که مهم‌ترین نیاز در جوامع کنونی و چنان گسترده است که همه‌کس و همه‌چیز در اجتماع و ماورای اجتماع را در بر می‌گیرد، اساسی‌ترین نگرانی در دورنمای آینده

روابط انسانی نیز هست. در واقع، می‌توان گفت امنیت امری مهم بلکه مهم‌ترین محور در آینده‌پژوهی است و چون شناخت اندیشه‌ای و پیش‌بینی عقلانی و علمی از آینده امنیت ملی و بین‌المللی مستلزم ادراک جمعی و هم‌افزایی دانش‌های مرتبط با این مقوله است، مطالعات بین رشته‌ای به‌عنوان مرکز ثقل آینده‌پژوهی اهمیت و جایگاهی حساس و حیاتی را به خود اختصاص خواهد داد.

تجزیه و تحلیل‌های متعارف از امنیت ملی، بر دو متغیر عمده متکی است: محیط امنیتی از یک‌سو و قابلیت دستیابی به امکانات سخت‌افزاری از سوی دیگر. محیط امنیتی با تهدیدات خارجی و الگوهای اتحاد مرتبط است در حالی که ابعاد سخت‌افزاری امنیت، شامل توانمندی‌های فیزیکی از قبیل قدرت نظامی، اقتصادی و زیرساخت‌های سیاسی محسوس همانند دکترین‌های نظامی و استراتژیک، ساختار نیروها، اطلاعات و خرید تسلیحات است.^۱

نگرش جهان سومی نسبت به امنیت ملی، برداشت نسبی و ملازمه این مفهوم با شرایط زمانی و مکانی است، به‌طوری که در هر کشوری و در هر زمانی، دامنه این مفهوم متفاوت از گذشته و آینده خواهد بود.^۲

دفاع و امنیت ملی، دل‌مشغولی اصلی نیروهای مسلح و سازمان‌های مسئول امنیتی داخلی است. نظر به این که کار ویژه نیروهای مسلح، دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی در برابر هرگونه هجوم خارجی یا تهدیدهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری علیه استقلال سیاسی است، ضروری است در تدوین سیاست‌های

۱ - ادوارد آذر و چونگ ایمون، "ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انجام و ظرفیت سیستم سیاسی" ترجمه گروه امنیت ملی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۲، ۱۳۷۷، ص ۳۹.

۲ - نک به: سید اصغر کیوان حسینی، "پیامدهای بحران افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۱-۲۰، ۱۳۷۶، صص ۳۵-۳۴.

دفاعی و امنیتی کشور نیز نتایج و یافته‌های تلفیقی مطالعات حقوق دفاع و امنیت ملی مورد توجه ویژه قرار گیرد. بدین منظور، برای فراهم کردن بستر علمی و کارشناسی هم‌ساز کردن اولویت‌ها و نگرانی‌های بخش دفاعی با موازین حقوقی و همچنین درک نحوه بهره‌گیری بهینه از سازوکارها و هنجارهای حقوقی در راستای ارتقای نقش و جایگاه نیروهای مسلح و در نهایت تعمیق رهنمودهای حقوقی ناظر بر دفاع ملی، توجه به تحقیقات و مطالعات حقوق دفاع و امنیت ملی ضروری است. خلاصه این‌که، لازم است تحقیق در حقوق دفاع ملی نیز در میان مطالعات راهبردی دفاعی، جای گرفته و جایگاه آن به صورت مناسب شناخته شود.

بنابراین، پیشنهاد می‌گردد که مطالعات بین رشته‌ای حقوق امنیت ملی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی وابسته به نیروهای مسلح از جمله بسیج، به عنوان رشته‌ای تخصصی در سطوح دوره‌های عالی جنگ یا فرماندهی و ستاد یا دوره‌های تحصیلات تکمیلی ایجاد گردد و در برنامه‌های آموزشی نیز مطالعات حقوق امنیت ملی به عنوان محور مطالعه و پژوهش در سال جاری و سال‌های آتی تعیین شود. به نظر می‌رسد که سازمان تحقیقات بسیج، بستری مناسب برای پوشش دادن به ابعاد پژوهشی این مطالعات با محوریت نقش بسیج خواهد بود.

منابع

الف) منابع فارسی

- ۱ - آذر، ادوارد و چونگ ایمون (بهار ۷۷)، «*ابعاد نرم افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیستم سیاسی*»، ترجمه گروه امنیت ملی، *سیاست دفاعی*، شماره ۲۲.
- ۲ - بانث، روسی (۷۵)، «*مدل سازی و تحلیل نظامی صحنه جنگ در عصر عدم اطمینان*»، ترجمه حسین سلامی، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۱۷.
- ۳ - تانگ، شیبینگ (۸۴)، «*نظریه نظام واره محیط امنیتی*»، ترجمه بهناز اسدی کیا، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۹.
- ۴ - عسگری، محمود (۸۴)، «*معرفی و نقد کتاب: گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۹.
- ۵ - فلسفی، هدایت‌الله (۷۱)، «*روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل: شناخت منطقی حقوق بین‌الملل*»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۰.
- ۶ - فلسفی، هدایت‌الله (۷۰)، «*روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل*»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۹.
- ۷ - ساعد، نادر (۸۴)، «*چشم انداز حاکمیت دولت‌ها در پرتو فرایند بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات*»، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران.
- ۸ - ملکی فر، عقیل و همکاران (۸۵)، «*علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا*»، تهران، انتشارات کرانه علم.
- ۹ - میلر، بنیامین (۸۱)، «*مفهوم امنیت: ضرورت و بازتعریفی*»، ترجمه مسعود آریایی‌نیا، *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*، شماره ۳۳.
- ۱۰ - کلی، جان موریس (۸۲)، «*تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب*»، ترجمه دکتر محمد راسخ، تهران، طرح نو.
- ۱۱ - کیوان حسینی، سیداصغر (۷۶)، «*پیامدهای بحران افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*»، *سیاست دفاعی*، شماره ۲۱-۲۰.

- ۱۲ - نیسن بام، هلن (۸۱)، «حمایت از حق خلوت ظامیان در عصر اطلاعات»، ترجمه و تلخیص از عباس ایمانی، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۲.
- ۱۳ - آگ برن و نیم کوف (۸۳)، «زمینه جامعه شناسی»، ترجمه و اقتباس از ا.ح. آریانپور، تهران، دهخدا.
- ۱۴ - اشتیاق، وحید (۸۱)، «حدود قانون آزادی رسانه‌ها در زمان جنگ در ایالات متحده آمریکا»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۱.
- ۱۵ - دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (۸۲)، «معرفی دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۷، ۱۳۸۲.

ب) منابع خارجی

- 16 - www.wikipedia.org/wiki/Interdisciplinary.
- 17 - The Institute of Advance Studies, Interdisciplinary Studies, www.ids.ias.edu/.
- 18 - Arizona State University, School of Interdisciplinary Studies, www.universetcillege.asu.edu/sis.curent/php.
- 19 - Grand Valley State University, college of Interdisciplinary Studies, www.gvsu.edu/cios.
- 20 - Dep. of Defense Dictionary of Military and Associated Terms, June 5, 2003.
- 21 - W. Radman, "New World Coming: American Security in the 21st Century: Major Threats and Implications", Sep. 15, 1999, www.fas.org/man/docs/nwc.htm
- 22 - S. Malawer, "National Security Law- Law & Policy Issues", www.nationalsecuritylaw.htm.
- 23 - www.boston.com/local/massachusetts/articles/2006/11/19/.
- 24 - Homelandsecurity.osu.edu/NA_HS/.
- 25 - www.usatoday.com/news/education/2006-11-18-homelandsecurity_x.htm.
- 26 - Pre-law program, Otterbein University, www.otterbein.edu/dept/HIST/pre-law/pre-law.asp, and Undergraduate programs.
- 27 - www.prenewswire.com/cgi-bin/stories.pl?A_T=109&ST_RT...; www.vcu.edu and www.vcu.edu/uns.
- 28 - www.law.georgetown.edu/graduate/nationalSecurityLaw_ert.htm., Jan. 16, 2007.

- 29 - J. Moore, “*National Security Law*”, LLM course 972, [www.law.georgetown.edu/curriculum/tab_courses.cfm?status=courses &...](http://www.law.georgetown.edu/curriculum/tab_courses.cfm?status=courses&...), 2006.
- 30 - R. Davis, “*National Security Law: Current Issues*”, LLM course 972, [www.law.georgetown.edu/curriculum/tab_courses.cfm?status=courses &...](http://www.law.georgetown.edu/curriculum/tab_courses.cfm?status=courses&...), 2006.
- 31 - www.virginia.edu/cnsl/_vit_bin/shtml.
- 32 - enter on Law, Ethics and National Security, www.duk.law.edu/lens/teaching
- 33 - The National War College, “*Academic Programs*”, www.ndu.edu/nwc/ap/index.htm.
- 34 - www.abanet.org/dch/committee.cfm?com=I905000.
- 35 - Law.cua.edu/NSLR/.
- 36 - The Association of American Law Schools (AALS).
- 37 - www.aals.org/services/sections.php.
- 38 - www.ndu.edu/snee.index.htm.
- 39 - www.wfu.edu/~chesner/bc-nationalsecuritylaw/careers.htm.
- 40 - www.mcgeorg.edu/academics/curriculum_catalog/full_courses_descriptions/national_security_law.htm.
- 41 - NA HS, Program/course information for BA homeland security, www.apus.edu/.
- 42 - www.mcgeorg.edu/academics/curriculum_catalog/full_courses_descriptions/national_security_law.htm.
- 43 - www.mcgeorg.edu/government/law_and_policy/bioterrorism/index.htm.
- 44 - National and homeland security law: instruction: IU law, 2007/1/3.
- 45 - Duke University School of law, National Security Law, www.duk.law.edu/cirriculum/coursesinfo/course.php?id=143.
- 46 - National Security Law, Law 700, Syracuse University college of law, www.law.sir.edu/.
- 47 - National Security and counterterrorism Research center, Syracuse University college of law, www.law.sir.edu/.

- 48 - National and Homeland Security Law, University of Denver College of Law, 2004, www.du.edu/.
- 49 - National Security Law, JUS 415 Special Topics Syllabus, North Carolina Wesleyan College, <http://faculty.ncwc.edu/toconnor>.
- 50 - South Korean National Security Law, 25 February 1988, www.kimsoft.com/korea/nsl-kr.htm.
- 51 - Web.ut.ac.ir/law/law%20&%20regulations%20m.s.htm.

